به انجام رسانیدن

به انجام رساندن چیزی به معنای پایان دادن به آن است.

او هدف خود را که دوی ده مایلی بود را به انجام رسانید.

تایید کردن

تأیید چیزی به این معنی است که آن را دوست دارید یا از آن خوشحال هستید.

همکاران وی طرح جدید وی را تایید کردند.

تقریبی

تقریبی یعنی نزدیک بودن به مقدار ، تعداد یا زمان دقیق چیزی.

قد تقریبی من دو متر است.

مانع

مانع چیزی است که در راه شما باشد.

دیوار بزرگ سدی بین چین و دشمنان آن بود.

تشخیص دادن

تشخیص چیزی به معنای مشاهده یا یافتن چیزی است.

پسربچه وقتی بوی کلوچه را تشخیص داد به سمت آشپزخانه دوید.

وظیفه

وظیفه کاری است که انسان باید انجام دهد.

وظیفه والدین است که از فرزندان خود مراقبت کنند.

ابتدایی

وقتی چیزی ابتدایی است ، اولین یا ساده ترین چیز است.

کودکان قبل از دبیرستان به دبستان می روند.

شکست

وقتی کاری را درست انجام ندهید ، یک شکست اتفاق می افتد.

پخت و پز من بی نتیجه شد زیرا من غذا را سوزاندم.

تدریجی

وقتی چیزی تدریجی است ، به آرامی اتفاق می افتد.

کودکان خواندن را با سرعت تدریجی یاد می گیرند. آنها بلافاصله یاد نمی گیرند.

مهاجر

مهاجر شخصی است که به کشور دیگری نقل مکان می کند.

پدر و مادرم مهاجر بودند. آنها از لهستان آمده اند.

قرار دادن

قرار دادن چیزی به معنای قرار دادن آن در چیز دیگری است.

پستچی نامه را در صندوق پستی قرار داد.

فوری

فوری زمان بسیار کوتاهی است.

اجاق مایکروویو در یک لحظه غذا را می پزد.

فقر

فقر حالت فقیر بودن است.

فقر در بسیاری از کشورهای جهان یک مشکل است.

وانمود کردن

تظاهر کردن یعنی قبولاندن اینکه چیزی واقعی است.

پسر دوست داشت وانمود کند که یک پادشاه است.

مرتبه

رتبه یک شخص جایگاه او درترتیب قرارگیری افراد است.

این مرد به درجه کاپیتان نیروی دریایی رسید.

شناخت

شناخت این است که از دیگران تحسین شود.

قهرمان به خاطر شجاعت خود شناخته شد.

سرد کردن – در یخچال نگه داری کردن

در یخچال قرار دادن چیزی به معنای سرد کردن آن است.

فروشگاه های مواد غذایی ، میوه را در یخچال نگه می دارند تا ماندگاری آن زیاد شود.

اجاره

اجاره به منزله پولی است که مردم برای زندگی در یک مکان خاص به شخصی می پردازند.

برای زندگی در این خانه ، باید اجاره خانه را در ابتدای هر ماه بپردازم.

بازنشسته شدن

بازنشستگی ترک کار است ، معمولاً به دلیل کهولت سن.

پدر من شصت و پنج ساله است. او در شرف بازنشستگی از کار است.

آمار

آمارعددی است که واقعیتی را درباره چیزی بیان می کند.

آمارها نشان داد که امسال ما به اندازه پارسال خوب عمل کردیم

نام من آلبرت انیشتین است. بسیاری از مردم در مورد چیزهای بزرگی که من به دست آورده ام می دانند. اما قبل از مشهور شدن موانع زیادی داشتم.

من در آلمان متولد شدم. وقتی در دبستان بودم ، قبلاً در مورد ریاضیات و آمار می دانستم. وقتی پسر بودم وانمود می کردم که دانشمند بزرگی هستم. من مدرسه را دوست داشتم ، اما زندگی ام در خانه سخت بود. پدرم شغل خود را از دست داد ، بنابراین خانواده من در فقر زندگی کردند. ما نمی توانستیم اجاره را در آلمان پرداخت کنیم. ما مهاجر شدیم و به ایتالیا رفتیم. دبیرستان را تمام کردم و در سوئیس به کالج رفتم.

بعد از دانشگاه ، شروع به نوشتن درباره علم کردم. هرچند در یک لحظه به موفقیت نرسیدم. در ابتدا ، دانشمندان دیگر کار من را تأیید نکردند. آنها فکر می کردند من یک شکست خورده هستم. صعود به درجه یک دانشمند تحسین شده روندی تدریجی بود. به زودی ، مردم متوجه شدند که من درست هستم . سرانجام ، شروع به شناختن من کردند.

من نشان دادم که چگونه می توان اندازه تقریبی چیزهای بسیار بزرگ ، مانند ستاره ها را پیدا کرد. من همچنین حرکت چیزهای بسیار کوچک ، مانند اتم ها را کشف و توضیح دادم. و برای سرگرمی ، ماشینی ساختم که می توانست غذا را با تبدیل گرما سرد کند. من هیچ وقت بازنشسته نشدم وظیفه من بود که به کار خود ادامه دهم. من بر بسیاری از دوران سخت غلبه کردم و به خاطر کارهای مهمم به یادگار خواهم ماند.